

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

ولی احمد نوری
۰۹ جون ۲۰۱۵

برگی از زندگی و آثار استاد عبدالرحمان پژواک بزرگمرد افغانستان



امروز هشتم جون ۲۰۱۵ میلادی بیستمین سال وفات استاد عبدالرحمن پژواک است

این کمینه با همه ارادتمندان و هواخواهان این مرد بزرگ، یکجا شده به روح پر فتوح این مرد قلم راستین و این سیاستدار دانشمند، ورزیده، پرکار و صادق افغانستان درود بی پایان می فرستم و روان پاک وی را آزاد و یادش را گرامی و جاویدان می خواهم.

عبدالرحمان پژواک در سال ۱۹۱۹ میلادی در خانواده قاضی عبدالله خان در دامن بالاحصار تاریخی شهر زیبای غزنه چشم به جهان گشود. همه عمر برای سعادت، خوشبختی و غنای ارزش های ملی افغانستان دم و قدم زد و به روز پنجشنبه ۱۸ جوزای سال ۱۳۷۴ هجری شمسی مطابق به ۸ جون سال ۱۹۹۵ میلادی، در شهر پشاور با زندگی وداع گفت و در قریه باغبانی ولسوالی سرخورد ولایت ننگرهار به خاک سپرده شد.

عبدالرحمان پژواک زندگی کاری اش را از انجمن تاریخ آغاز کرد، بعد در ریاست مستقل مطبوعات مصروف کار شد. مدتی مدیر مسؤول روزنامه اصلاح و بعد ها مقام ریاست «د باختر آژانس» را که خودش یکی از مؤسسين آن بود، به عهده گرفت سپس ریاست پشتو توله را به عهده داشت.

عبدالرحمان پژواک در ایام وظائفش در ادارات مختلف مطبوعاتی و فرهنگی، به اصل آزادی بیان وفادار ماند. استاد پژواک در سازمان های «یونسکو»، «حقوق بشر»، «یونیسف» و غیره نهاد های بین المللی از کشورش افغانستان به عالی ترین وجه نمایندگی کرده است.

پژواک در سال ۱۹۴۶ میلادی به دنیای سیاست قدم گذاشت و به عنوان مشاور سفارت افغانستان در امور خبری و [فرهنگی](#) در انگلستان و اضلاع متحده امریکا منصوب شد. در سال ۱۹۵۱ او کارمند وزارت امور خارجه شد پس از فعالیت های درخشان و مثمر در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه "پادشاه افغانستان" به رتبه سفیر کبیر به حیث نماینده دائمی افغانستان در سازمان ملل متحد منصوب گردید و به اثر لیاقت و درایت در امور اداری و دیپلوماسی توانست در ملل متحد به پژواک ملت افغان مبدل گردد. وی در پیوستن افغانستان به اعلامیه حقوق بشر و تحرک عدم انسلاک در عرصه بین المللی نقش برارنده ای را ایفاء نمود. زمانی به اثر درخشش هایش در ملل متحد از طرف گنجره عمومی آن نهاد به حیث "رئیس مجمع عمومی ملل متحد" انتخاب گردید که افتخار بزرگی به وطن و طندارانش نصیب شد.

وی در المان، هند و انگلستان به حیث سفیر اعلیحضرت پادشاه افغانستان مصدر بزرگترین خدمات در راه جلب توجه این کشور ها به سوی کمک به افغانستان در همه ساحات شده است.

پژواک در سال ۱۹۷۸ بعد از کودتای ویرانگر خلق و پرچم در کابل و عدم موافقت با آن نظام دست نشانده به افغانستان بازگشت. پس از بازگشت به [افغانستان](#) او در نظر بند خانگی به سر برد و تنها در سال ۱۹۸۲م به دلیل بیماری اجازه خروج از کشور را یافت و تا سال ۱۹۹۱ در اضلاع متحده امریکا حیات به سر برد و پس از آن در شهر [پیشاور](#) [پاکستان](#) سکونت نمود.

استاد پژواک، یک تن از مبتکران و مؤسسان حق تعیین سرنوشت ملت در ملل متحد است که در نهایت زیر نام «حق خود ارادیت» در اثر تلاش های استاد پژواک به حیث حق مسلم ملت ها در منشور سازمان ملل قید شده است. این افتخار بزرگ او و مردم افغانستان را شما می توانید در لینکی که در پایان این معروضه ثبت شده است ببینید، بخوانید و حظ ببرید.

از استاد عبدالرحمان پژواک کتب و آثار زیاد به نشر رسیده است که عبارتند از: "بانوی بلخ"، "حماسه ناهید نامه"، "گل های اندیشه"، "افسانه های مردم"، "مردان پاراپامیزاد"، "یک زن"، "آواره"، "گل های کوهی"، "ترجمه پیامبر خلیل جبران"، "ترجمه اشعار تاگور"، "الماس ناشکن" و ده ها اثر دیگر.

استاد عبدالرحمان پژواک مرد آزاده ای از تبار آزادگان و باورمند به اندیشه های انسان بود که اینک با گذشت بیست سال از خموشی وی کلام و اندیشه آزاد و انسانی اش همچنان زنده و باقیست.

استاد عبدالرحمان پژواک شاعر توانای افغان در پاسخ به سروده ذیل از علامه "اقبال لاهوری" چنین می گوید:

من بنده آزادم عشق است امام من	عشق است امام من عقل است غلام من
هنگامه این محفل از گردش جام من	این کوکب شام من این ماه تمام من
جان در عدم آسوده بی ذوق تمنا بود	مستانه نوا ها زد در حلقه دام من
ای عالم رنگ و بو این صحبت ما تا چند	مرگست دوام تو عشق است دوام من
پیدا به ضمیرم او پنهان به ضمیرم او	این است مقام او دریاب مقام من

[اقبال لاهوری](#)

من مقتدای خویشم، کس نیست امام من
 از روی و ریا رستم، تا قبله خود هستم
 آداب رکوع من، خم کردن زانو نیست
 من چشمه خورشیدم، نه ماه فروغ اندوز
 چون ثابت و سیاره، بر جایم و آواره
 با عابد فرزانه، از دور اشارت کن
 ایکاش نمی بودم، انسان که نمی گردید
 اقبال " غلامی بود، در بند امامی بود
 پژواک ندای خود، هستم نه صدای غیر

عبدالرحمن پژواک

۲۰۱۵/۰۶/۰۸

منابع:

- نشرات رادیو آزادی
- سایت ملل متحد که شما خواننده عزیز می توانید سوانح مکمل و کارکرد های مهم داخلی و بین المللی پژواک بزرگ را به کمک لینک آتی مطالعه فرمائید.

<http://www.un.org/ga/۵۰/president/bio۲۱.htm>